

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ حَضَرَ يَوْمَ كَرِيمٍ بَادٍ
بِأَقْبَابِ كَرَامَتِهَا عَدَا



زیارت در نگاه علامه امینی

ترجمه و تلخیص: جواد محدثی

توضیح

یکی از موضوعاتی که پیوسته دستاویز مغرضان و دشمنان شیعه، به ویژه «وهابیت» برای تاختن به شیعه بوده، مسئله «زیارت» است. آنان کوشیده‌اند تا زیارت قبور ائمه و اولیای دین و دعا و تضرع در کنار مرقد معصومین علیهم‌السلام را بدعت و شرک معرفی کنند و از این رهگذر، پیروان اهل بیت علیهم‌السلام را مشرک بشمارند.

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» با تکیه بر منابع متعدد و روایات فراوان از خود اهل سنت و استناد به سیره بزرگان مذاهب اربعه و علمای آنان نسبت به «زیارت»، کوشیده است تا بی پایه بودن ادعاهای وهابیون، به ویژه «ابن تیمیّه» و «قصیمی» را اثبات کند و نتیجه بگیرد که اگر رفتن به زیارت حرم‌های مطهر و بقاع متبرک و زیارت قبور، شرک باشد و با توحید ناسازگار، پس همه مسلمین و صحابه و ائمه مذاهب چهارگانه در طول تاریخ اسلام، از زمان صحابه تاکنون مشرک بوده‌اند و تنها ابن تیمیّه مسلمان خالص بوده است! بحث علامه امینی، مشروعیت زیارت

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام

و توسل به قبور آنان

را نیز در برمی‌گیرد.

این نوشته ترجمه

خلاصه شده بخشی

از مبحث «زیارة

مشاهد العترة الطاهرة»

است که در جلد پنجم



زیارت قبور و تبرک
و توسل به آنها و ختم قرآن
برای صاحبان قبور و دعا و نماز در
کنار آنها، چیزی نیست که از ابدعات
شیعه باشد؛ بلکه ریشه‌های تاریخی
این سنت به نخستین دوران اسلام،
بازمی‌گردد. در طول تاریخ اسلام،
مسلمانان پیوسته قبوری را زیارت
می‌کردند.

«الغدیر» (از ص ۸۶ تا ۲۰۷) آمده
و در این شماره فصلنامه زیارت
تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.^۱

زیارت قبور و تبرک و توسل به
آنها و ختم قرآن برای صاحبان قبور و
دعا و نماز در کنار آنها، چیزی نیست که
از ابدعات شیعه باشد؛ بلکه ریشه‌های تاریخی

این سنت به نخستین دوران اسلام بازمی‌گردد. در طول تاریخ اسلام، مسلمانان
پیوسته قبوری را زیارت می‌کردند. فایده این بحث، شناخت سیره مسلمانان در
این باره و شعائر آنان و سنت‌هایشان از دیرباز تاکنون است. اینک به نمونه‌هایی
از این امر در تاریخ شخصیت‌های دینی می‌پردازیم.

۱. **بلال حبشی** رضی الله عنه: مؤذن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در سال ۲۰ هجری درگذشت،
در دمشق مدفون است. بالای قبر او نام و تاریخ وفات او ثبت است. دعا در این
محل مستجاب است و بسیاری از نیکان و اولیاء و زائران، آن را آزموده‌اند.^۲
۲. **سلمان فارسی** رضی الله عنه: در سال ۳۶ هجری درگذشت. قبر او امروزه در
نزدیکی ایوان کسری در عراق مشهور است و ساختمان و خدّامی دارد که به
آن بقعه رسیدگی می‌کنند.^۳

۳. **طلحه**: در جنگ جمل در سال ۳۶ هجری کشته شد. ابن بطوطه درباره
قبر می‌گوید:

بقعه او داخل شهر بصره است و قبه‌ای دارد و مسجدی، و در گوشه‌ای

در مصر محلی وجود دارد که می گویند سر مطهر سید الشهداء علیه السلام در آن جا مدفون است؛ در تابوتی نقره‌ای در زیرزمین، که بنایی شکوهمند و زیبا و آراسته با دیبا‌های گران قیمت و افراشته با ستون‌های بلند دارد، با قندیل‌های نقره‌ای، چشم‌نواز و خوش منظره، و چنان زیباست که به وصف در نمی آید.

به واردین و زائرین طعام می دهند. بصریان او را بسیار بزرگ می دارند. در بصره، قبور دیگری هم هست که به صحابه تابعین تعلق دارد و نام صاحب قبور و تاریخ وفاتشان بر آنها نگاشته شده است.^۴

۴. زیبر: متوفای ۳۶ هجری.

ابن جوزی درباره قبر او گفته است:

در سال ۳۸۶ مردم بصره ادعا کردند جسد او را از قبری قدیمی، تازه و با لباس یافته‌اند. جسدش را بیرون آورده، کفن کردند و پس از دفن، بر قبر او قبه‌ای ساختند و برای آن خادم و موقوفاتی قرار دادند.^۵

۵. ابویوب انصاری: در سال ۵۲ هجری در روم درگذشت. مردم به زیارت قبر او می روند و هنگام خشکسالی، با توسل به قبرش، از خدا باران می طلبند.^۶

۶. مشهد رأس الحسین علیه السلام: در مصر محلی وجود دارد که می گویند سر مطهر سید الشهداء علیه السلام در آن جا مدفون است؛ در تابوتی نقره‌ای در زیرزمین، که بنایی شکوهمند و زیبا و آراسته با دیبا‌های گران قیمت و افراشته با ستون‌های بلند دارد، با قندیل‌های نقره‌ای، چشم‌نواز و خوش منظره، و چنان زیباست که به وصف در نمی آید. بر دیوار آن حرم و مسجد، سنگی سیاه و براق، همچون آینه هندی صیقل خورده است که مردم آن را برای تبرک لمس می کنند. مردم در کنار آن ازدحام می کنند و دعا می خوانند و اشک می ریزند و به برکت آن تربت مقدس، به خدای سبحان متوسل می شوند و چنان می نالند که از سنگ ناله برمی خیزد و دل، آب می شود!^۷



شیخ عبدالله شبرای در کتاب خود، در فصلی مبسوط به توصیف این مکان و بیان فضیلت و آداب زیارتش پرداخته و بخشی از کراماتی را که از آن حرم دیده شده، نقل کرده و آنها را صحیح دانسته است.^۸

حمزروی عدوی (متوفای ۱۳۰۳ق) در کتاب خویش پس از سخنی مفصل درباره این بارگاه شریف که منسوب به سر مبارک امام حسین علیه السلام است، می‌گوید:

سزاوار است که این حرم را بسیار زیارت کنند و به خدا توسل جویند و از این امام، آنچه را که در حال حیاتش می‌خواستند، بطلبند؛ چرا که او وسیله اندوه‌زدایی است و زیارتش موجب رفع گرفتاری‌هاست و هر که به آن توسل جوید، دلش به نور الهی متصل می‌گردد.^۹

آن‌گاه نمونه‌ای از کرامات این زیارتگاه را چنین نقل می‌کند: همه کتاب‌های محمد شلبی (معروف به ابن‌ست) را از خانه‌اش دزدیدند، ناراحت و متحیر بود که چه کند. به این حرم آمد و در ضمن اشعاری که سروده بود، به آن حضرت استغاثه کرد. هنگامی که پس از زیارت به خانه بازگشت، همه کتاب‌ها را بی‌کم

بانو نفیسه دختر

حسن بن زید بن حسن بن
 علی بن ابی طالب علیه السلام که از بانوان
 بزرگ عصر خود بود و در سال ۲۰۸
 هجری در مصر درگذشت. مصریان
 قبرش را بسیار محترم می‌شمارند و
 معتقدند دعا نزد قبر او مستجاب است.
 قبر ایشان قبه و بارگاهی نیز دارد.

و کاست در جای خود یافت.

۷. عمر بن عبدالعزیز: هفتمین
 خلیفه اموی، متوفای ۱۰۱
 هجری. قبر او در «دیر سمعان»
 (در نواحی دمشق) زیارتگاه
 مردم است.^{۱۰}

۸. ابوحنیفه: پیشوای مذهب
 حنفی، متوفای ۱۵۰ هجری که قبرش
 در «اعظمیه» بغداد، مزاری معروف است
 و به گفته خطیب بغدادی، شافعی همه روزه به
 زیارت قبرش می‌رفته و به آن تبرک می‌جسته و هنگام پیش آمدن مشکل، دو
 رکعت نماز می‌خوانده و کنار قبرش می‌آمده و از خداوند، برطرف شدن نیازش
 را می‌طلبیده است.^{۱۱}

در قرون بعد، بر مزار او قبه و بارگاهی ساختند و مسجدی بنا کردند. در
 سفرنامه ابن جبیر و تاریخ ابن خلکان آمده است که در قرن پنجم، حرمی
 باشکوه و قبه‌ای سفید و بلند داشته است.

۹. مصعب بن زبیر: متوفای ۱۵۷ هجری. به گفته ابن جوزی قبر او در
 «مسکن» (نزدیک بغداد) مثل قبر امام حسین علیه السلام زیارتگاه مردم بوده است.^{۱۲}

۱۰. لیث بن سعد حنفی: پیشوای مردم مصر که در ۱۷۵ هجری درگذشت و
 در «قرافه کوچک» (نزدیک قاهره) مدفون شد و قبرش، زیارتگاه مردم است.^{۱۳}

۱۱. مالک بن انس: پیشوای مذهب مالکی، متوفای ۱۷۹ هجری که در
 بقیع مدفون است و قبه‌ای داشته^{۱۴} و فقهای اهل سنت زیارتش را مستحب

دانسته‌اند.

۱۲. امام

موسی بن

جعفر علیه السلام: امام

هفتم شیعیان

که در سال

۱۸۳ هجری

شهادت شد و

در کاظمین

مدفون گشت.

حتی بزرگان

اهل سنت،

مثل حسن بن

ابراهیم خلال، هنگام دچار شدن به مشکلات، با زیارت و توسل به قبر او حاجت می‌گرفتند.^{۱۵} وقتی امام جواد علیه السلام در بغداد درگذشت، کنار قبر جدش موسی بن جعفر علیه السلام دفن شد. مرقد این دو امام زیارتگاه عموم مردم است.^{۱۶}

۱۳. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام: امام هشتم شیعیان که در طوس مدفون

است. ابوبکر بن خزیمه و ابوعلی ثقفی و گروهی از بزرگان علمای حدیث هنگام ورود به طوس، دیدند که ابن خزیمه در برابر آن قبر مطهر، تعظیم و تواضع و تضرع فوق‌العاده‌ای داشت؛ به گونه‌ای که همه شگفت‌زده شدند.^{۱۷}

۱۴. عبدالله بن غالب بصری: در سال ۱۸۳ هجری در روز ترویج کشته شد.

مردم خاک قبر او را هم‌چون مُشک گرفته و در لباس‌های‌شان قرار می‌دادند.^{۱۸}



۱۵. معروف کرخی: متوفای ۲۰۰ هجری. قبر او مشهور است و بسیاری از مردم برای برآورده شدن حوائج و رفع نیازهای خود به زیارت آن می‌روند و حاجت می‌گیرند. قبر او در بغداد قبه و بارگاهی داشته و مردم به برکت قبرش باران می‌طلبیدند.^{۱۹}

۱۶. عبیدالله بن محمد بن عمر بن علی بن الحسین علیه السلام: قبر او در «باب البردان» بغداد معروف و زیارتگاه مردم است و حاجتمندان به قصد زیارت و تبرک و حاجت گرفتن به آنجا می‌روند و برای آن نذر و نیازهای فراوان می‌کنند. حتی داستانی درباره عضدالدوله دیلمی نقل شده که علت نام‌گذاری آنجا به «مشهد النذور» در آن بیان شده است. صاحب این قبر، شهیدی از نوادگان امام سجاد علیه السلام است که در گریز از تعقیب خلیفه بود. اما سرانجام دستگیر شد او را زنده زنده دفن کردند. مردم هر نذری که برای این قبر می‌کنند، حاجتشان روا می‌شود؛ از این رو آنجا به «قبر النذور» شهرت یافته است.^{۲۰}

۱۷. محمد بن ادریس شافعی: پیشوای مذهب شافعی که در ۲۰۴ هجری درگذشت. قبر او در «قرافه» مصر (نزدیک قاهره)، زیارتگاه مردم است و قبه و ضریحی بر آن ساخته‌اند.^{۲۱}

۱۸. بانو نفیسه: دختر حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام که از بانوان بزرگ عصر خود بود و در سال ۲۰۸ هجری در مصر درگذشت. مصریان قبرش را بسیار محترم می‌شمارند و معتقدند دعا نزد قبر او مستجاب است. قبر ایشان قبه و بارگاهی نیز دارد.^{۲۲}

۱۹. احمد بن حنبل: پیشوای مذهب حنبلی، متوفای ۲۴۱ هجری. قبر او نیز مشهور و ضریحش، زیارتگاه مردم بغداد است. حتی بسیاری از بزرگان به

زیارت قبر او عنایت داشته‌اند و علی‌رغم ازدحام جمعیت پیرامون قبرش، منتظر فرصتی می‌ماندند تا خلوت شود و به قبر او نزدیک شوند. بارها بر قبرش قبه‌ای ساخته‌اند و ویران شده است.^{۳۳} حنبلی‌ها به او و قبرش و زیارت مرقدش بسیار معتقدند و از راه‌های دور برای زیارت به سوی آن می‌شتابند و او را صاحب مقامات بالایی می‌دانند.

۲۰. ذوالنون مصری: متوفای ۲۴۶ هجری. مدفنش در قرافه مصر است و بقعه‌ای دارد و در کنار او گروهی از صالحان هم مدفونند.^{۲۴}

۲۱. بکار بن قتیبه بصری حنفی: متوفای ۲۷۰ هجری در مصر. قبر او نیز زیارت می‌شود و آن را متبرک و دعا نزد آن را مستجاب می‌دانند.^{۲۵}

۲۲. ابراهیم حربی: متوفای ۲۸۵ هجری که مدفنش در خانه خود است و مردم به آن تبرک می‌جویند.^{۲۶}

۲۳. اسماعیل بن یوسف دیلمی: قبرش پشت قبر معروف کرخی است و او نیز زیارت می‌شود.^{۲۷}

۲۴. علی بن محمد بن بشار: متوفای ۳۱۳ هجری. قبرش در بغداد، زیارتگاه است.^{۲۸}

۲۵. یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم نیشابوری اسفراینی: از محدثان شافعی و متوفای ۳۱۶ هجری است. قبرش در اسفراین (خراسان) مزار مردم است که به آن تبرک می‌جویند و آستانش را می‌بوسند و احترام می‌گذارند.^{۲۹}

۲۶. عبدالله بن احمد بن علی بن حسن بن ابراهیم طباطبا: متوفای ۳۴۸ هجری. از عالمان و ثروتمندان بنام از خاندان طباطبا که در حجاز زاده شد و سپس به مصر رفت و در همان‌جا درگذشت. به سخاوت و گشاده‌دستی شهره

بود و مردم مصر به اجابت دعا در بقعه او معتقدند.^{۳۰}

۲۷. علی بن محمد عامری: متوفای ۴۰۳ هجری. پس از مرگش، مردم شب‌های متوالی کنار قبرش ماندند و برایش قرآن و دعا خواندند و شاعران نیز از مناطق مختلف آمدند و برایش مرثیه سرودند و برای او رحمت طلبیدند.^{۳۱}

۲۸. ابوسعید خرقوشی، متوفای ۴۰۶ هجری. قبرش در نیشابور مشهور و زیارتگاه مردم است.^{۳۲}

۲۹. ابوجعفر بن ابی موسی: متوفای ۴۷۰ هجری. وی پیشوای حنبلیان در زمان خود بود. او را در قبر احمد بن حنبل به خاک سپردند. مردم ملازم قبرش بودند و هر شب چهارشنبه کنار قبرش بیدار می‌ماندند و برایش ختم‌ها می‌گرفتند. در آن ایام ده‌هزار ختم بر او خواندند و پیرامون قبر او آباد شد و فروشندگانش نیز به فروش اجناس در اطراف مزار او پرداختند.^{۳۳}

۳۰. نورالدین محمود بن زنگی: متوفای ۵۶۹ هجری. قبر او در دمشق زیارتگاه مردم است و مردم به پنجره‌های آن دخیل می‌بندند و رهگذران به آن تبرک می‌جویند. نقل می‌کنند که همراه او، سه تار موی صورت مبارک رسول خدا ﷺ مدفون است و سزاوار است هر کس او را زیارت می‌کند، در زیارت خود، پیامبر اکرم ﷺ را هم نیت کند.^{۳۴}

۳۱. احمد بن جعفر خزرگی: در ۶۰۱ هجری در مراکش درگذشته است. مردم برای دیدار قبرش تجمع می‌کنند و اجابت دعا کنار قبرش مجرب است

و مردم هنگام زیارت، هدایا و نذورات فراوانی از طلا و نقره تقدیم می‌کنند که همه صرف نیازمندان آن منطقه می‌شود. مؤلف «نیل التهاج» گوید: این وضع تاکنون ادامه دارد و من بیش از پانصد بار آن را زیارت کرده‌ام و بیش از سی شب در آن جا بیتوته داشته‌ام و برکت‌های بسیاری دیده‌ام.^{۳۵}

۳۲. احمد بن علوان یمنی: از اکابر تصوف بوده که در ۶۵۰ هجری در گذشته است. برای او هم کراماتی نقل می‌کنند. از جمله آن‌که حتی فقهایی که از نسل او بودند و او را قبول نداشتند، در مصائب و مشکلات، به قبر او پناه می‌بردند تا از گزند حکومت محفوظ بمانند. مزار او در منطقه «یفرس» در یمن به شکل زیبایی بنا شده است.

۳۳. ابو عبدالله قرشی اندلسی: او پس از کسب علم از مشایخ مغرب، به مصر رفت و چندی در آن جا اقامت گزید و آوازه‌ای یافت. سپس به قصد زیارت، به بیت المقدس رفت، اما در همان جا ماندگار شد و در ۵۹۹ هجری در گذشت و آرامگاهش به سبب کراماتی که به او نسبت می‌دادند، زیارتگاه مردم شد.^{۳۶}

۳۴. ابوبکر بن عبدالله عیدروس: متوفای ۹۱۴ هجری در عدن. مزار او در آن جا بسیار مشهور است و از مناطق دوردست برای زیارت و تبرک به آن جا می‌روند و گروهی عقیده دارند هرکس هفت روز پیاپسی او را زیارت کند، حاجتش برآورده می‌شود.^{۳۷}

پی‌نوشت‌ها:

۱. این تلخیص و ترجمه توسط استاد جواد محدثی انجام گرفته است.

٢. ابن جبير اندلسى، الرحلة، ص ٢٢٩.
٣. ابوالفرج ابن جوزى، المنتظم، ج ٥، ص ٧٥.
٤. ابن بطوطه، الرحلة، ج ١، ص ١١٦.
٥. المنتظم، ج ٥، ص ١٨٧.
٦. ابن جوزى، صفة الصفوة، ج ١، ص ١٨٧.
٧. رحلة ابن جبير، ص ١٢.
٨. عبدالله الشيراوى، الأتحاف بحب الأشراف، ص ٢٥ - ٤٠.
٩. شيخ حسن عدوى خمراوى، مشارق الأنوار، ص ٩٢ (در الغدير، اشعار فوق هم نقل شده است).
١٠. ذهبى، طبقات الحفاظ، ج ١، ص ١٤.
١١. خطيب بغدادى، تاريخ بغداد، ج ١، ص ١٢٣.
١٢. المنتظم، ج ٧، ص ٢٠٦.
١٣. ابن ابى الوفاء، الجواهر المضيئه، ج ١، ص ٤١٧.
١٤. رحلة ابن جبير، ص ١٥٣.
١٥. تاريخ بغداد، ج ١، ص ١٢٠.
١٦. ابن عماد حنبلى، شذرات الذهب، ج ٢، ص ٤٨.
١٧. ابن حجر عسقلانى، تهذيب التهذيب، ج ٧، ص ٣٨٨.
١٨. همان، ج ٥، ص ٣٥٤.
١٩. تاريخ ابن خلكان، ج ٢، ص ٢٢٤.
٢٠. تاريخ بغداد، ج ١، ص ١٢٣.

٢١. ذهبي، دول الاسلام، ج ٢، ص ١٠٥.
٢٢. ابن خلكان، وفيات الأعيان، ج ٢، ص ٣٠٢.
٢٣. دول الأسلام، ج ١، ص ١٤ و رحله ابن بطوطه، ج ١، ص ١٤٢.
٢٤. وفيات الأعيان، ج ١، ص ١٠٩.
٢٥. الجواهر المضيئه، ج ١، ص ١٧٠.
٢٦. صفة الصفوة، ج ٢، ص ٢٣٢.
٢٧. همان، ص ٢٣٣.
٢٨. المنتظم، ج ٦، ص ١٩٩.
٢٩. ابن جوزي، تذكرة الخواص، ج ٣، ص ٣ و وفيات الأعيان، ج ٢، ص ٤٦٩.
٣٠. وفيات الأعيان، ج ١، ص ٢٨٢.
٣١. ابن كثير، البداية و النهاية، ج ١١، ص ٣٥١.
٣٢. تقى الدين سبكي شافعي، شفاء السقام، ص ٢٩.
٣٣. شذرات الذهب، ج ٣، ص ٣٣٧ و المنتظم، ج ٨، ص ٣١٧.
٣٤. شذرات الذهب، ج ٤، ص ٢٣١ و البداية و النهاية، ج ١٢، ص ٢٨٤.
٣٥. احمد بابا التنبكي، نيل الأبتهاج، ص ٨٢.
٣٦. شذرات الذهب، ج ٤، ص ٣٤٢.
٣٧. ابن عيروس، النور السافر، ص ٨٠ و ٨١؛ شذرات الذهب، ج ٨، ص ٦٤.